

داستان‌هایی از

هزار و یک شب

۱۱

فهرست

۹	دیباچه
۱۵	شهرزاد
۲۹	حکایت بازرگان و دیو
۴۵	حکایت ماهی‌گیر و دیو
۵۳	حکایت پادشاه و حکیم
۶۳	ماجرای بیشتری درباره‌ی ماهی‌گیر و دیو
۷۳	حکایت پادشاه جوان جزایر سیاه
۸۷	حکایت اسب سحرآمیز
۱۰۵	حکایت سندباد بحری
۱۵۹	حکایت سه خواهر
۱۹۵	حکایت شاهزاده احمد و پری بانو
۲۴۱	حکایت علی‌بابا و چهل دزد
۲۶۷	حکایت علاء‌الدین و چراغ جادو
۳۳۳	حکایت ابوحسن یا خفته‌ی بیدار
۳۷۹	حکایت خداداد و برادرانش



داستان‌هایی از

هزار و یک شب

درباره

سرگذشتِ پیدایشِ کتاب هزار و یک‌شب، خودِ حکایتی بسیار پر رمز و راز و شگفت‌انگیز است. بر پایه‌ی مطالعات شرق‌شناسان و پژوهش‌گرانِ اروپایی، سابقه‌ی این کتاب به دو هزار سال قبل باز می‌گردد. آنچه مسلم است، کتاب هزار و یک‌شب پیش از دورانِ پادشاهان هخامنشی، در هندوستان به ظهور می‌رسد. آن‌گاه از قرار، قبل از هجوم اسکندرِ مقدونی به سرزمین بزرگِ پارس، کتاب به ایران آمده و با نام «هزار افسان» به پارسی باستان ترجمه شده است. سپس در قرن سوم هجری و در اوجِ دورانِ طلاییِ برگردان آثار علمی و ادبیِ روزگار از زبان‌های گوناگون به زبان عربی، این کتاب نیز به عربی ترجمه و نقل گردیده، و چندان که دست به دست می‌گشته، حکایات دیگری نیز به آن



افزوده شده است. پس از آن، در قرن چهارم هجری و بعد از دوران متوکل عباسی، کتاب به مصر رفته و در قاهره، قصه‌گویان و افسانه‌پردازان، حکایاتی مصری و یهودی بر آن افزوده‌اند و عاقبت در قرن دهم هجری - شانزدهم میلادی - کتاب به صورت هزار و یک‌شب امروزین، گردآوری و تدوین شده است. نخستین نسخه‌ی این کتاب در سال ۱۷۰۴ میلادی - قرن هجدهم - به ترجمه‌ی آنتونی گالان (Antonie Galland)، مستشرق فرانسوی وارد ادبیات و فرهنگ اروپا می‌شود.

ترجمه‌ی فارسی هزار و یک‌شب در حدود ۱۲۶۰ هجری در تبریز و به فرمان محمدشاه، امیرکلّ سرزمین‌های آذربایجان، توسط عبداللطیف طسوجی تبریزی آغاز می‌شود و بر پایه‌ی همین فرمان، ملک‌الشعرا، میرزا محمدعلی سروش اصفهانی برگردان اشعار کتاب را بر عهده می‌گیرد. قرار بر این می‌شود که به جای اشعار عربی، از میان دیوان‌های شاعران ایران، مضامین مشترک و هم‌معنی، انتخاب و جایگزین گردد، و هر جا که این کار ممکن نبود، سروش، خود آن مضمون را بازسرای کند. به این ترتیب کار ترجمه در زمان سلطنت محمدشاه آغاز شده و در دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه این خدمت بزرگ ادبی، فرهنگی، در جامه‌ی متنی بی‌مانند، به پایان می‌رسد.

کتاب هزار و یک‌شب هم از نظر ادبی و هم از جنبه‌ی تاریخی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. ارزش این مجموعه داستان به آن خاطر است که در خلال حکایات، بسیاری از نکات و دقایق تاریخی، ادبی و اخلاقی درج شده است. این کتاب نسل بعد از نسل و دست به دست، از سرزمینی به سرزمینی منتقل شده و سفر کرده و در هر جا از سینه به سینه افسانه‌هایی



بر آن اضافه شده و هم ازین رو، عالی‌ترین نماینده‌ی ادبیات و فرهنگ ملت‌های شرق باستان به حساب می‌آید. در هزار و یک‌شب به زیباترین و دل‌انگیزترین شکل ممکن و به ساده‌ترین زبان، آداب و راه و رسم معاشرت، دوستی، بزم و رزم، زراعت و تجارت، کسب و کار، و نکات اخلاقی و خصلت‌های انسانی مانند حُب و بغض، حسد و فداکاری، بخشندگی و تنگ‌چشمی، شجاعت و ترس، پاکدامنی و شرارت، عدالت و ظلم و مهر و قهر منعکس شده است.

سبک نقل و نگارش کتاب به گونه‌ای است که ابتدا، نخستین و اصلی‌ترین حکایت آغاز می‌شود؛ آن‌گاه حکایتی در دل حکایتی دیگر باز می‌شود و هر قصه‌ای به قصه‌ی پیشین باز می‌گردد و عاقبت، حکایت آخر، پایان حکایت نخستین و انتهای کتاب است. و شگفتا که این باز بسته شدن، خود به اعجاز می‌ماند!

تأثیر هزار و یک‌شب بر ادبیات و هنر شرق و غرب انکارناپذیر است. بسیاری از نویسندگان، شاعران، موسیقی‌دانان، نقاشان، نمایشنامه‌نویسان و سینماگران، آثاری آفریده‌اند که به طور مستقیم و یا به اقتباس ریشه در این کتاب داشته است. خورخه لوییس بورخس، نویسنده و شاعر شهیر آرژانتینی که خود شیفته‌ی هزار و یک‌شب بود، در مقایسه‌ی نام «هزار افسانه»ی ایرانی با «هزار و یک‌شب» عربی به نکته‌ی زیبایی اشاره دارد:

«چرا اول هزار و سپس هزار و یک‌شب؟ فکر می‌کنم دو دلیل برای آن وجود دارد. دلیل اول خرافاتی است (در این‌جا خرافات مهم است) که سنا بر آن اعداد زوج بدیمن‌اند. پس به دنبال اعداد فرد گشتند و